

رویکرد پلیس باید جامعه محور باشد

یکی از شاخصه‌های پلیس اجتماعی استفاده از توانمندی جامعه در مواجهه با معضلات، مسائل، ناهنجاری‌ها و جرائم است. پلیس بدون همکاری مردم و بدون مشارکت سایر نهادهای نمی‌تواند در جلوگیری از وقوع و گسترش جرم و افزایش احساس ایمنی توفیقی داشته باشد. شغل پلیس به‌نجوی است که اغلب به دخالت در رفتار مردم می‌انجامد، کنترل وسیله نقلیه، ایست و بازرسی، دستور به توقف و سایر مواردی دیگر موجب برخورد‌های منفی بین پلیس و شهروندان می‌شود. رویکرد جامعه محوری ضمن پذیرش اصل و ناگزیری چنین برخورد‌هایی تاجایی که می‌تواند این برخورد‌ها را به‌مواجه مثبت تبدیل می‌کند، از مصایق مشارکت شهروندان می‌توان به‌استفاده از پلیس یاران جوان، همکاری دوطالب پلیس در کنترل نظم و مقررات عبور و مرور، گزارش دهندگان نامنی‌های خاص محلات اشاره کرد.

در کشورمان نیز می‌توان در بسیاری از حوزه‌های مأموریتی پلیس از توانمندی نهادهای سازمان‌های دولتی، تشکل‌های غیردولتی و افشار اجتماعی و مخصوصا جوانان بهره گرفت. خصوصا با توجه به گسترش دامنه اعتیاد در میان جوانان می‌توان در این گونه معضلات و آسیب‌های اجتماعی از همکاری جوانان استفاده کرد. شیوه‌های سنتی مبارزه با مواد مخدر هر چند لازم است، ولی کافی نیست. باید اطلاع‌رسانی، آموزش همگانی و افزایش مهارت‌های زندگی اجتماعی جوانان محور اول فعالیت سازمان‌های مسئول امنیت و خصوصا پلیس باشد و در مرحله بعد خود جوانان می‌توانند همیاران دوطالب بسیار خوبی برای مشارکت با پلیس به‌شمار روند. در هر حال امروزه آموزش همگانی و مشارکت شهروندان از عناصر اصلی کار پلیسی است و باید ادارات پلیس خصوصا کلاسترهای هاو پاسگاه‌ها با برگزاری جلسات با خانواده‌ها، صنوف، انجمن‌های موجود و از تباط و تعامل گسترده نسبت به مهار جرم و افزایش احساس امنیت اقدام کنند.

یکی دیگر از شاخصه‌های اساسی پلیس جامعه محور، اتخاذ شیوه بازدارندگی بجای واکنشی عمل کردن است. این امر به معنای شناسایی مسائل و جست‌وجو در مورد علت‌های آن می‌باشد. پیشگیری بر درمان مقدم است و در مسائلی نظیر مشکلات جوانان باید به راهکارهای پیشگیرانه اهمیت بیشتری داده شود. در حوزه نظم اجتماعی و توسعه و گسترش رعایت نرم‌ها و هنجارهای اجتماعی این شیوه قطعاً اولویت دارد.

هر پلیسی قادر به اتخاذ رویکرد جامعه محوری نمی‌باشد، لذا باید دستگاه پلیس با جدیت به تغییر رویکرد آموزش خود از تهدید محوری به جامعه محوری اقدام کند. در این خصوص در راهکارهای توسعه جامعه محوری نکاتی بیان خواهد شد.

یکی از ویژگی‌های اصیل پلیس جامعه محور داشتن نظام نلمه اخلاقی ویزایی است که اساس و جوهر آن دفاع از حقوق مردم و رعایت کرامت انسانی، دفاع از نظم اجتماعی و قربانیان در مقابل مجازواران به حقوق مردم و عمل بر طبق قانون است. شاخصه‌هایی که بیان شدد در کنار رضایتمندی و اعتماد و مقبولیت پلیس، سر برمی‌آورد. اصلی این سازمان در مقابله با هرگونه جرم و ناامنی است. مواردی که بیان شد شاخصه سازمانی پلیس اجتماعی بود. در انتها به برخی ویژگی‌های فردی پلیس اجتماعی که کاملاً ریشه در نظام‌نامه اخلاقی پلیس دارد اشاره می‌شود.

برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فردی پلیس اجتماعی عبارتند از:

آشنایی به قوانین و مقررات و خصوصا پایبندی و رعایت حقوق شهروندان.

برخورداری از توانمندی، تعامل و مهارت‌های اجتماعی علاوه بر توانمندی حرفه‌ای و تخصصی.

داشتن رابطه صمیمی با شهروندان.

حمایت از حقوق مدنی و اجتماعی شهروندان.

پاسخگویی در مقابل اقدامات خود.

داشتن سبجای و فضایل اخلاقی.

شناخت جامعه و بصیرت اجتماعی.

این‌ها و موارد دیگر در واقع همان شاخصه‌هایی است که پلیس مطلوب باید داشته باشد. چنین پلیسی در واقع آن چیزی است که در ادبیات دینی ما جزو ویژگی‌های متولیان امور نظم و امنیت جامعه برشمرده‌است.

*** رئیس اداره برآورد اجتماعی و افکار سنجی معاونت اجتماعی قاتب**



«وقتی از همسرم جدا شدم شوهر خواهرم با همسرم از دواج کرد که در درگیری او را به قتل رساندم» این ادعای مرد جوانی است که شوهر خواهرش را در درگیری با ضربات چاقو به قتل رساند.

به گزارش جوان، اواخر مردادماه امسال بود که مأموران کلاستر۱۰۴ باغ فیض با تماس تلفنی شهروندی از درگیری خونینی در خانه‌ای باخبر شدند با اعلام این خبر سرهنگ رسول بهرامی، رئیس کلاستر همراه تیمی از مأموران راهی محل شده و در یافتند سه برادر در درگیری دامادشان را با ضربات چاقو و چوب به شدت زخمی کرده و از محل فرگشته‌اند. در حالی که مأموران کلاستر دوفنر از برادران را دستگیر کرده بودند به آنها خبر رسید که مرد زخمی بر اثر شدت خونریزی در بیمارستان فوت کرده‌است. بدین ترتیب هم‌زمان با ادامه تحقیقات قاضی مصطفی واحدی، بازپرس ویژه قتل مادرسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند. بررسی‌ها نشان چند ماه قبل یکی از پسران خانواده که مردی ۴۸ساله به نام بهنام بود همسرش را طلاق می‌دهد و پس از آن داماد خانواده با همسر وی ازدواج می‌کند که حادثه به قتل داماد منجر می‌شود. بدین ترتیب بهنام به عنوان متهم اصلی تحت تعقیب مأموران قرار گرفت تا اینکه دو روز قبل وی به اداره پلیس رفت و خودش را تسلیم کرد. متهم صبح دیروز در دادسرای امور جنایی منتقل شد و با اظهار پشیمانی به قتل دامادشان اعتراف کرد.

وی گفت: ۲۰سال قبل از دواج کردم و در حال حاضر هم سه فرزند داریم. شش ماه قبل با همسرم اختلاف پیدا کردم و هم جدا شدیم تا اینکه مدتی قبل متوجه شده دامادمان همسرم را عقد کرده‌است. پس از جدایی قرار شد چهار روز در هفته فرزندان پیش من باشند و سه روز هم با مادرشان زندگی کنند. شب حادثه برادرانم مهمان من بودند که همسر سابقم با دامادمان به خانه من آمدند تا فرزندانم را از خودشان ببرند. به آنها گفته که اسب به خاطر اینکه برادرانم مهمان من هستند فرزندانم پیش من باشند که قبول نکردند و درگیری خونین رخ داد. متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی واحدی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. همچنین قرار شد پزشکی قانونی علت اصلی مرگ داماد را مشخص کند.

اعضای بدن زنی که در جریان حادثه رانندگی به مرگ مغزی مبتلا شده بود به چند بیمار نیازمند اهدا شد.

به گزارش جوان، اول شهریورماه امسال بود که مأموران پلیس شهرستان ایوانکی از حادثه رانندگی در جاده ایوانکی به سمتان با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد که خودرو به علت نامشخصی از مسیر اصلی خارج شده و واژگون شده است. در بررسی‌های بیشتر مشخص شد که سرنشینان خودرو دو زن و چهار کودک که همگی ۹ساله به نام مرصیه بود به علت شدت جرح‌ات به کما رفته‌است.

احمد نیک‌نسب، همسر مرصیه در شرح حادثه گفت: ما ساکن شهرستان سمنان هستیم. قبل از



مادر خانواده به بیماران زندگی بخشید

که به توصیه پزشکان تصمیم به اهدای اعضای همسر گرفتیم. وقتی پزشکان از اهدای اعضا حرف زدند، یادم افتاد که همسرم کارت اهدای عضو گرفته بود و به من توصیه کرده بود در صورتی که به مرگ مغزی مبتلا شد اعضای بدنش را اهدا کنم. هر چند دوری از او برای من و به خصوص دو دختر کوچکم خیلی سخت است، اما وقتی می‌بینم با این تصمیمی که گرفتیم چند خانواده عزیزشان را دوباره می‌بینند و در خانه آنها دوباره خنده و شادی زنده می‌شود، خوشحال هستم و اطمینان دارم روح مرصیه هم در آرامش است.

دکتر سناژ دهقانی، رئیس واحد فرام‌آوری اعضای پیوندی بیمارستان سینا گفت: با توجه به رضایت خانواده مرصیه، وی به بیمارستان سینا منتقل شد تا اعضای بدن او به بیماران نیازمند اهدا شود. وی در ادامه افزود: پس از انتقال بیمار مرگ مغزی به اتاق عمل با تلاش پزشکان کلیه‌ها و کبد او به سه بیمار نیازمند جان دوباره‌ای بخشید.

حادثه همسرم همراه همسر برادرش و بچه‌های‌مان به تهران رفته بودند که در مسیر بازگشت دچار حادثه شدند. ساعت حدود ۱۱ بود که من را از ماجرا با خبر کردند که خودم را به بیمارستان معتمدی گرمسار رساندم. آنجا بود که متوجه شدم همسرم به علت شدت خونریزی به کما رفته و خوشبختانه وضعیت دیگر مصدومان رضایت‌بخش است. وی ادامه داد: مرصیه دختر دایی من بود که چند سال قبل از دواج کر دیم و صاحب دو دختر بودیم. وقتی همسرم را روی تخت بیمارستان دیدم از خدا خواستم به دو دخترم که چشم انتظار مادرشان هستند، رحم کند و او را به زندگی برگرداند. او گفت: بعد از دین‌ن وضعیت همسرم تصمیم گرفتم او را برای ادامه درمان به تهران منتقل کنم که این کار را کردم و او را به بیمارستان پارس‌بان منتقل کردم. پزشکان بعد از انجام آزمایش‌ها گفتند که امیدوی به نجات همسرم نیست و فقط معجزه می‌تواند او را به زندگی بازگرداند. بعد از آن بود

نقشه آدم‌ربایی ۵ میلیاردی در دست منشی اخراجی



به او بدهم. ما او را ربودیم و در چند مرحله هم اخادی کردیم و با پول‌های اخادی من برای خودم خانه خریدم.

■ **دختر مورد علاقه ام پولی به من نداد**

با اعتراف متهم، مأموران همدست وی را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند. وی در بازجویی‌ها مدعی شد که پس از آدم‌ربایی رؤیا، او را فریب داده و پولی به او نداده است. وی گفت: وقتی با رؤیا آشنا شدم به من گفت که مرد کارخانه داری حق او را خورده است و از من خواست با کمک هم او را برابیم و حق و حقوق او را پس بگیریم و من هم قبول کردم. ما دو نفری مرد کارخانه دار را ربودیم و از او اخادی کردیم که ناگهان رؤیا ناپدید شد و وقتی هم به آدرسی که داده بود، رفتم متوجه شدم، او آدرس محل زندگی‌اش را به من اشتباهی داده و مرا فریب داده است. دو متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی سهرابی در اختیار کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

است. از سوی دیگر بررسی هویت رؤیا نشان داد وی چند سالی منشی دفتر مرد کارخانه دار بوده که مدتی قبل از محل کارش اخراج می‌شود. بنابراین مأموران پلیس، رؤیا را شناسایی و وی را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌های فی به آدم‌ربایی با همدستی پسر جوانی به نام شاهرخ اعتراف کرد. وی گفت: من چند سالی منشی شاکی بودم و او از من راضی بود و ارتباط خوبی هم با هم داشتیم تا اینکه ناگهان رفتار او نسبت به من تغییر کرد

تا جایی که حق و حقوق مرا کامل پرداخت نمی‌کرد و در ماه‌های آخر هم به بهانه‌های مختلف حقوق مرا نداد و در نهایت هم بدون اینکه حق و حقوق مرا پرداخت کند، از محل کار اخراجم کرد. پس از این از او کینه به دل گرفتم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم تا اینکه مدتی قبل در فضای مجازی با پسر جوانی به نام شاهرخ آشنا شدم. من به شاهرخ موضوع را گفتم و قرار شد صاحبکار قبلی‌ام را برابیم و از او اخادی کنیم و بعد من هم مبلغی به عنوان دستمزد

می‌رساند و من هم از ترس از آنها شکایت نکردم تا اینکه آنها دوباره به سراغم آمدند و تهدید کردند به آنها پول بدهم و من هم دوباره به آنها پول دادم اما این پایان ماجرای اخادی آنها نبود به طوریکه یکبار خانواده‌ام را و یکبار نوه‌هایم را تهدید به قتل می‌کردند و در نهایت از من بیش از ۵میلیارد تومان اخادی کردند که در نهایت خسته شدم و تصمیم گرفتم شکایت کنم.

■ **منشی اخراجی عامل آدم‌ربایی**

با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه‌نهم دادسرای امور جنایی تهران برای رسیدگی در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در نخستین گام از تحقیقات متوجه شدند چک‌ها از نسوی زن جوانی به نام رؤیا از بانک برداشت شده

خرید میلیاردی آهن با چک سرقتی

بررسی شماره تلفن رضا متوجه شدند که صاحب خط تلفن مردی به نام داوود است که او را به اداره پلیس دعوت کردند.

داوود هم بعد از حضور در اداره پلیس مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: مدتی قبل سیمکارت خودم را در اختیارم عمویم که بهروز نام دارد قرار دادم. بررسی‌های پلیس در این باره نشان داد که بهروز خودش را با نام رضا به شاکی معرفی کرده بود و مرد کلاهبردار همان بهروز است.

بعد از به دست آمدن این اطلاعات بود که مشخص شد بهروز به قزاقستان هم سفر نکرده است. بعد از آن بود که مخفیگاه وی حوالی میدان امام خمینی شناسایی و متهم بازداشت و در اداره پلیس از نسوی مسعود شناسایی شد.

در بررسی‌های بیشتر پلیس همچنین مشخص شد که همه بارنامه‌هایی که برای انتقال محموله آهن صادر شده بود به نام رضا ثبت شده است. در تحقیقات بعدی مسئولان رابری و راننده‌هایی که محموله آهن را جابه‌جا کرده بودند، بهروز را به عنوان مرد کلاهبردار شناسایی کردند. سرهنگ کارآگاه حمداالله علیزاده، رئیس پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران گفت: به کارآگاهان پلیس گذشت. او بود که آن را در اختیار پلیس گذاشت. در شاخه دیگری از تحقیقات کارآگاهان با



شدم که مردی به نام مسعود یک فقره از چک‌های سرقت شده با درج مبلغ ۴میلیارد و ۲۰۰میلیون تومان برای نقد کردن به بانک برده اما از آنجا که در حسابم موجودی نداشتم، چک برگشت خورده است. با اطلاعاتی که داشتم، از طریق بانک در اختیار پلیس گذاشت

حالی که تحقیقات پلیس در این باره جریان داشت شـاکی بار دیگر به اداره پلیس مراجعه کرد و اطلاعات تازه‌ای در اختیار مأموران قرار داد. او گفت: امـروز از طریق بانک متوجه



رفتن تاپای طناب‌دار به خاطر دعوا

مردی که ۹سال قبل به خاطر دعوا در یکی از روستاهای فیروزکوه مرکب قتل شده و تا پای طناب‌دار رفته بود، سرانجام موفق به جلب رضایت اولیای دم شد.

به گزارش جوان، ۱۰مردادسال ۹۰، مأموران پلیس شهرستان فیروزکوه از درگیری خونین در روستای ازین دشت باخبر و راهی محل شدند. با حضور مأموران در محل اولین بررسی‌ها نشان داد مرد ۲۷ساله به نام اصغر در آن درگیری به خاطر ضربه شدید به سرش کشته شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، همسر اصغر که در محل حضور داشت به مأموران گفت: «روز گذشته همراه دخترم سوار موتور شوهرم بودیم تا برای انجام کاری از روستا بیرون برویم. در راه بودیم که یکی از اقوام شوهرم به نام یوسف ما را دید. او هم سوار موتور بود که سد راهمان شد. او روی موتور نشسته بود که ناگهان یک لگد به من زد. شوهرم نتوانست موتورش را کنترل کند به همین خاطر همگی روی زمین افتادیم.»

زن جوان ادامه داد: «شوهرم با این رفتار عصبانی شد و به طرف خانه برگشت. وقتی به روستایمان رسیدیم همه اقوام و همسرهای یکباره به طرف شوهرم حمله کردند و درگیری بالا گرفت. در آن درگیری ما را باقل فرمان به سر شوهرم زد. دو نفر دیگر از آشنایان به نام‌های یعقوب و محمد نیز با داس و چوب به سر شوهرم زدند. افراد دیگر هم شوهرم را کتک زدند تا اینکه شوهرم مقابل چشمانم روی زمین افتاد و جان داد.»

با اقرارهای زن جوان، همه افرادی که در درگیری شرکت داشتند بازداشت شدند و مورد تحقیق قرار گرفتند تا اینکه بنا به شواهد و قرائن موجود یوسف، یعقوب به اتهام مشارکت در قتل، محمد و چهار متهم دیگر نیز به اتهام معاونت در قتل روانه زندان شدند. پرونده بعد از صدور کفرخواست در شعبه چهارم دادگاه کیفری یک استان تهران تحت رسیدگی قرار گرفت.

ابتدای جلسه اولیای دم در خواست قصاص کردند. در ادامه یوسف در جایگاه ایستاد و با انکار جرمش درباره انگیزه قتل گفت: «آن روز محل کار بودم که یکی از بستگان تماس گرفت و گفت اصغر با مادرش درگیر شده و او را به شدت کتک زده است. از اختلاف آنها خبر داشتم. در آن ماجرا اصغر و همسرش مضرب بودند. به خانه آنها رفتم و دیدم مادر پیرش خیلی ناراحت است و حالش خوب نیست. اهالی روستا وقتی این موضوع را فهمیدند همه عصبانی شدند به همین خاطر همه با اصغر درگیر شدیم.»

متهم در آخر گفت: «در آن درگیری اصغر را کتک زدم اما باور کنيد ضربه‌ای به او نزدم و نمی‌دانم چه کسی قاتل است.» سسین یعقوب نیز جرمش را انکار کرد و گفت: «در آن درگیری همه چوب، قمع و... همه را داشتند. من ضربه‌ای نزدم و شاید فرد دیگری عامل قتل باشد.»

در آخر محمد و چهار متهم دیگر نیز با انکار جرمشان از خودشان دفاع کردند.

در پایان هیئت قضایی یوسف و یعقوب را به قصاص و محمد و دیگر متهمان را به حبس محکوم کرد. این حکم بعد از تأیید در آستانه اجرا بود تا اینکه دو سال قبل یعقوب توانست با پرداخت ديه رضایت اولیای دم را جلب کند، اما اجرای حکم برای یوسف به خاطر عدم پرداخت تفاضل ديه از سوی اولیای دم اجرا نشد.

با گذشت ۹سال از حادثه در حالیکه یوسف به خاطر عدم پرداخت تفاضل ديه همچنان بلاقبلیف مانده بود، با پرداخت ديه توانست رضایت اولیای دم را جلب کند.

به این ترتیب پرونده از جنبه عمومی جرم بار دیگر روی میز هیئت قضایی قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، متهم در جایگاه ایستاد و گفت: «خانواده‌ام به سختی توانستند پول بیه را بپردازند و همه دارایی‌شان را فروختند. حالا از هیئت قضایی درخواست دارم در مجازاتم تخفیف قائل شوند تا بتوانم هرچه زودتر آزاد شوم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.



۷کشته در تصادف پراید و پژو

تصادف دو سواری پراید و پژو در جاده کرمان به ماهان به مرگ هفت سرنشین دو خودرو منجر شد. روز گذشته مأموران پلیس راه کرمان از حادثه رانندگی در کیلومتر هفت محور کرمان به ماهان با خبر و در محل حاضر شدند. در اولین بررسی‌ها مشخص شد که هفت سرنشین دو خودرو به علت شدت جراحات جانشان را از دست داده‌اند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی بررسی علت حادثه از سوی پلیس در جریان است.